

۴۲

حمل ۱۳۹۵
(۱۶ آوریل ۲۰۱۶)

همبستگی

نشریه حزب همبستگی افغانستان

زندگی فراتر از فاجعه صفحه ۱
در یک کمپ بیجاشدگان در کابل



- افغانستان مستقل، آزاد، دموکراتیک و یکپارچه.
- وحدت ملی بر پایه استقرار و تحکیم دموکراسی استوار بر سکیولاریزم.
- تساوی حقوق زن و مرد و تمامی ملیت‌های کشور.
- مبارزه بر ضد هر نوع بنیادگرایی، ارتجاع و مداخلات خارجی.
- خروج فوری نیروهای اشغالگر امریکایی و ناتو از افغانستان.
- دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و مترقی ملل دربند جهان.

همبستگی

صاحب امتیاز: حزب همبستگی افغانستان

مدیر مسؤول: سید محمود همزم

شماره تماس: ۰۰۹۳-۷۰۰-۳۳۱۵۹۰

شماره جواز: ۸۷

در این شماره:

- ۱..... زندگی فراتر از فاجعه در یک کمپ بیجاشدگان
- ۶..... بزرگداشت حزب همبستگی از قهرمانان گمنام افغانستان
- ۱۱..... برخورد لچکانه نذیر احمد حنفی به خبرنگار زن «وایس نیوز» را محکوم کنیم!
- ۱۴..... معرفی کتاب افشاگر «افغانستان خونین: واشنگتن، جنگسالاران و تبلیغات سکوت»
- ۲۰..... سند محرم: رابطه اخوانی‌ها با امریکا در دوران ظاهرشاه
- ۲۳..... احیای قدرت و ستم جنگسالاران در ولسوالی رستاق تخار
- ۲۶..... سند تاریخی: مقررات طالبانی حکومت حبیب‌الله کلکانی
- ۲۸..... اجلاس بی‌نتیجه سازمان همکاری اسلامی در ترکیه
- ۲۹..... اعتراضات خشماگین در ارجنتاین علیه حضور اوپاما
- ۳۱..... درسی از سفر پرتحقیر اوپاما به کیوبا
- ۳۶..... بازهم اکت عقاآور ضد امریکایی یک چاکر امریکا
- ۳۷..... پدر یک قربانی: «دشمن ما کثیف است اگر متحد نشویم نابود می‌شویم»!
- ۴۱..... «د نړۍ په سترې ډموکراسۍ» کی د محصلانو بندی کول او رپرول
- ۴۵..... یادبود از کودکان معصومی که بدست امریکایی‌ها پرپر شدند
- ۴۶..... مدارس دینی ننگرهار، مراکز وحشت و انتحارپروری
- ۵۱..... جلسات آگاهی‌دهی حزب همبستگی در ننگرهار
- ۵۳..... وزیر کابینه اردوغان: یک بار تجاوز تاثیری بر روحیه کودک ندارد!

گزارشگر: مریم مروه

زندگی فراتر از فاجعه در یک کمی بیجاشدگان



به تاریخ ۵ حوت ۱۳۹۴ (۲۴ فروری ۲۰۱۶) به دیدار بی جا شدگان به قلعه برق واقع کارته نو مربوط حوزه هشت شهر کابل رفتیم، جایی که دهها خانواده زیر خیمه‌های سرد

و کهنه زندگی سختی را می‌گذرانند. اینان در اثر نداشتن سرپناه و وضعیت بد زندگی سال‌ها قبل، نخست از لغمان به پاکستان و بعداً به کابل بی جا شده‌اند. اطفال آنان از مکتب و تعلیم محروم و بی‌سرنوشت‌اند. دیدن چهره‌های معصوم این کودکان و حالت زار و پریشان بزرگان شان حس مبارزه برای تغییر شرایط فاجعه‌بار کشور را در وجود هر انسان باوجدان بیدار می‌سازد.

رخمینه مادر خانواده ۱۸ نفری است که سختی‌های زندگی کمرش را خم ساخته است. غم گرسنگی فرزندان و نگرانی برای آینده ناروشن آنان در سیمای این زن رنج‌دیده نمایان است. شوهر رخمینه که یگانه نان‌آور خانواده است از صبح تا شام در ازدحام سرک‌های کابل با کراچی دستی به فروش شورنخود و پکوره مصروف است که به مشکل می‌تواند چند پولی برای خرید نان خشک



رخمینه مادر خانواده ۱۸ نفری است که سختی‌های زندگی کمرش را خم ساخته است.

به دست آورد. رخمینه در پخت پکواره و شورنخود با شوهرش همکار است و در طول روز مسئولیت رسیدگی به کودکان را دارد. او از دولت وحشت ملی بشدت منزجر بوده و نفرتش را نسبت به سیستم فاسد چنین بیان کرد:

«ما هیچ از اشرف غنی خوش

نیستیم، اشرف غنی چه کرد برای این ملت؟ همین حالا استعفا کند برود یکی دیگر را بشاند که پرسان غریب و غریبه را کند، پرسان اولادهای ما را کند، بچه‌های ما کلش بی کسب و بی کمال است، از اشرف غنی ما چه خیر دیدیم؟»



کمپ بیجاشدگان قلعه برق واقع کارته نو مربوط حوزه هشت شهر کابل

غوث‌الدین پدر رخمینه که توانایی کار را ندارد با خانم بیمار و دختر بیوه‌اش که مادر هشت طفل است در زیر یک خیمه سرد و تاریک در گوشه‌ای از کمپ زندگی دشواری را سپری می‌کند. این مرد پیر، زمستان سرد را در بستر مریضی در زیر خیمه نمناک سپری کرده و پول تداوی را نداشته است.

پسر جوانش، یگانه امید زندگی وی است که با کارهای طاقت فرسا به سختی می تواند زندگی بخورنمیر برای سه فامیل را مهیا سازد. او در حالی که از حالت زار زندگی شکایت داشت گفت:



«از پاکستان
آمدیم که ملک ما
آزاد شده و در اینجا
زندگی کنیم، از بد
بدرتر شد. بخدا قسم
است که از اینجا
کرده ما در پاکستان
خوشحال بودیم.
شکم ما گشنه است،
گاری را بچه ها
ایستاده کند به دیگر

غوثالدین پدر رخمینه: «وقتی کار هم نیست کمک هم نیست ما چه کنیم؟ مار خو نیستم که خاک بخوریم.»

روی حکومت چیه می کند، مزدورکاری پیدا نمی شود. حکومت
بچه های ما را در کار کند، وقتی کار هم نیست کمک هم نیست ما
چه کنیم؟ مار خو نیستم که خاک بخوریم.»



در گوشه دیگر این
کمپ به دیدار خانواده
دردمندی رفتیم که دیدن
وضعیت رقتبار و شنیدن
درددل های شان خنجر
به قلب انسان می زند و
روان هر فرد با احساس را
تکان می دهد. این فامیل
متشکل از چهار فامیل
بزرگ و کوچکی است
که در تیره روزی تمام بسر

اطفال بیجاشدگان همه بیمار اند، لباس مناسب ندارند و
بجای رفتن به مکتب، همه روزه در گل و خاک و کثافات
مصروف اند.

می برند. اطفال شان همه بیمار اند و لباس مناسب ندارند. کودکان شان بجای
رفتن به مکتب، همه روزه در گل و خاک و کثافات مصروف اند.



مادر رخمینه: «زمستان به بسیار سختی سر ما تیر شد.»

شهناز ۹ فرزند دارد و شوهرش که یگانه حمایت کننده این خانواده است مصروف فروش آیسکریم در پس کوچه های کابل است. او در اوج ناامیدی و افسردگی گفت:

«زمستان به بسیار سختی سر ما تیر شد. موادی را که می سوزانیم اشتک های ما مریض می شوند، خود ما مریض، چت خانه سیاه می شود، نه پیسه پودر را داریم و نه پیسه صابون را از مجبوری ای کار را می کنیم.»



محل زندگی مادر رخمینه

جمعه گل داماد شهناز پدر سه کودک بی سرنوشت است و در یک دکان پنجره گیری بایسکل شاگرد است. وی مثل هر فرد دیگر این کمپ قلب پر از

رنج و درد دارد. او می گوید از ده سبز کابل است و در جنگ های کابل تمام زندگیش چور شده و بعد از آن خوار و زار در زیر خیمه ها به زندگی مشقت بار ادامه می دهد.

در حالیکه مسوولان اصلی این همه فقر و بدبختی ها صاحب شهرک ها شدند و به قیمت سیه روزی مردم مظلوم ما سرمایه اندوزی می کنند، این هموطنان ما و امثال اینان حتی یک سرپناه گلی برای پیشبرد زندگی شان ندارند و در خیمه های کهنه ساخت خودشان در نم و میان حشرات زندگی سختی دارند. از کمک های صحی، آب صحی، غذای کافی و دیگر ضروریات اولیه مثل مواد سوخت، لباس زمستانی، لحاف و دوشک، آشپزخانه، تشناب و... در این کمپ اثری نیست و همه زندگی ماتمزا دارند.

گوشه هایی از زندگی بیجاشدگان این کمپ را در این فلم کوتاه ثبت کرده ایم: [youtube.com/watch?v=uq8mnKWAzGU](https://www.youtube.com/watch?v=uq8mnKWAzGU)





بزرگداشت حزب همبستگی از قهرمانان گمنام افغانستان



«حزب همبستگی
افغانستان» به تاریخ ۲۶
حمل ۱۳۹۵ با برگزاری
محفلی از دو قهرمان گمنام
وطن ما بزرگداشت به
عمل آورد. دو وطندوستی
که برای حفظ اسناد مهم

تاریخی سرزمین ما، زندگی شان را به خطر انداخته و با احساس مسوولیت در
نگهداری آن تلاش ورزیدند. ایندو، نجیب اکبری (مسوول بخش اسناد تاریخی
آرشیف ملی افغانستان) و خواجه احمدشاه صدیقی (مدیر عمومی لابراتوار
آرشیف افغان فلم) اند.

این برنامه با حضور خانم بلقیس روشن زن مبارز و شجاع کشورما، داوود
رزمک رییس «حزب همبستگی افغانستان»، سیلی غفار سخنگوی حزب و
جمعی از اعضا و هواداران حزب در کابل برگزار گردید.

در ابتدای محفل، نجیب اکبری از تجربیاتش درمورد چگونگی حفظ اسناد
مهم تاریخی آرشیف ملی در زمان جنگ‌های تنظیمی و طالبی صحبت نمود:
«...مشکلات و جنگ‌های زیادی بر ما تحمیل شد، در طول این

جنگ‌ها، خصوصاً در وقت طالبان و مجاهدین، کوشش‌های فراوانی کردیم که این اسناد برای شان معلوم نشود و حفظ بماند...



نجیب اکبری

(مسئول بخش اسناد تاریخی آرشیف ملی افغانستان)

وی خاطر نشان نمود که تعدادی کوشش کردند با پیشنهاد پول و یا تهدید بعضی اسناد پرارزش را از او بگیرند اما او هیچگاهی تسلیم نشده است. آقای اکبری وعده سپرد که به قیمت جانش از این اسناد حفاظت خواهد کرد:

«تهدیدهای زیادی شدیم، اما

من، خودم و فامیلم را فدای این وطن، فدای این خاک و فدای این آثار می‌کنم. هویت ما و شناخت افغانستان به روی اسنادی است که در آرشیف ملی قرار دارند. تا جایی که امکان دارد و تا جایی که یک قطره خون در جان ماست از آنها حفظ و نگهداری می‌کنیم.»



خواجه احمدشاه صدیقی

(مدیر عمومی لابراتوار و آرشیف افغان فلم)

در ادامه آقای خواجه احمدشاه صدیقی نخست در مورد آرشیف افغان فلم معلومات داد و سپس از خاطراتش از ایام جنگ‌های کابل را بیان نمود:

«وقتی رژیم حفیظ الله امین مستقر شد، تصاویر اشخاصی که مورد

قبول شان نبود را از بین بردند. اما کوشش‌های زیادی کردیم فلم‌های اوريجنال [اصل] آن نزد ما کاملاً حفظ شود... زمانی که

تنظیم‌های جهادی در سال ۱۳۷۱ باهم درگیر شدند در آرشیف افغان فلم راکت اصابت کرد. در صدد شدیم که هرچه عاجلتر آرشیف را به جای دیگری انتقال دهیم.... زمانی که طالبان مستقر شدند، به ما مکتوب رسید که همه آثار تصویری و صوتی باید نابود شوند. تصمیم گرفتیم به قیمت جان ما هم که شده آرشیف را نگهداری کنیم.»

پس از سخنرانی‌ها، اشتراک کنندگانی که تحت تاثیر شدید روحیه میهن پرستانه ایندو قرار گرفته بودند سوالاتی که در مورد آرشیف افغان فلم و آرشیف ملی داشتند از آقای نجیب اکبری و خواجه احمدشاه صدیقی پرسیدند که آنان به پاسخ پرداختند.



از خانم بلقیس روشن خواسته شد تا تقدیرنامه آقای نجیب اکبری را به او تقدیم کند.

در اخیر «حزب همبستگی افغانستان» تقدیرنامه‌هایی را که برای این هموطنان شریف ما در نظر گرفته بود به آنان سپرد. از خانم بلقیس روشن خواسته شد تا تقدیرنامه آقای نجیب اکبری را به او تقدیم کند. خانم بلقیس طی سخنانش

بیان داشت که مثل آقای صدیقی و اکبری صدها قهرمانی داریم که گمنام اند و یا دولت‌های مزدور خواستند که این افراد ملی ناشناخته باقی بمانند: «در بسیاری از جاها گفته می‌شود که قهرمانان مردم افغانستان کی‌ها اند؟ شما نام بگیرید؟ ما می‌گوییم که قهرمانان مردم افغانستان اکثریت هستند جز یک مشت اقلیت خاین.»

سیلی غفار سخنگوی حزب همبستگی ضمن تقدیم تقدیرنامه محترم خواجه احمدشاه صدیقی گفت:

«حفظ آثار باستانی و میراث‌های فرهنگی ما از ارزش والایی برخوردار است، اما متأسفانه در این چند دهه اخیر حکومت‌های خودفروخته و پوشالی همیشه تلاش کردند این آثار را نابود کنند.

قسمی که دیدیم از تنظیم‌های هفت‌گانه و هشت‌گانه گرفته تا خلق و پرچم و طالبان این ارزشهای والای افغانستان را لیلان کردند و به پاکستان و کشورهای دیگر فروختند. خوشبختانه قهرمانانی هم داشتیم که توانستند این گنجینه تاریخی را با قبول خطرات



سیلی غفار: «خوشبختانه قهرمانانی هم داشتیم که توانستند این گنجینه تاریخی را با قبول خطرات بزرگی پاسبانی کنند.»

بزرگی پاسبانی کنند. به عناصر آگاه و وطن‌دوست و باوجدان است که از این فرزندان اصیل کشور به عنوان قهرمانان تقدیر به عمل آورده و زندگی آنان را سرمشق قرار دهند.

بدبختانه دولت

فعلی چون یک دولت مزدور است همیشه جنایتکاران را تقدیر نموده و آنان را قهرمان ساخته‌اند. بطور مثال کرزی با بیشرمی مدال شاه امان‌الله خان قهرمان را به گردن بوش جنایتکار آویخت!



محفل با سخنان داوود رزمک رئیس حزب همبستگی پایان یافت:

«قهرمانانی را که استخبارات و بیگانگان می‌سازند و تحمیل می‌کنند، موقتی بوده و با گذر عمر کوچک لای خاک شده و

داوود رزمک: «قهرمانانی را که تاریخ و ملت ما تصدیق می‌کنند قهرمانان واقعی اند و ماندگار می‌مانند.»

می‌روند. اما قهرمانانی را که تاریخ و ملت ما تصدیق می‌کنند قهرمانان واقعی اند و ماندگار می‌مانند.

حزب همبستگی افغانستان این را وظیفه خود می داند تا به
کوچه کوچه ای افغانستان رفته و این قهرمانان گمنام را در مقابل
قهرمانان کاغذی علم نموده به مردم و نسل جوان به معرفی
بگیرد.»

قابل یادآور است که آقای اکبری و صدیقی هردو زندگی فقیرانه ای داشته
از مشکلات شدید صحتی رنج می برند. «حزب همبستگی» وعده سپرده که با
جمعاوری اعانه از اعضا و دوستدارانش در زمینه تداوی آنان در هر سطحی که
مقدور است همکاری نماید.



برخورد لچکانه نذیر احمد حنفی به خبرنگار زن «وایس نیوز» را محکوم کنیم!



ایزابیل یانگ (Isobel Yeung) خبرنگار «وایس نیوز» که در اکتوبر ۲۰۱۵ برای سفر سه هفته‌ای جهت کنکاش پیرامون وضعیت امروزی حقوق زنان در افغانستان به

کابل آمده بود، در هنگام مصاحبه با قاضی نذیر احمد حنفی، عضو پارلمان، با برخورد لچکانه او مواجه می‌شود. «حزب همبستگی افغانستان» با ارسال نامه‌ای به خانم ایزابیل از وی به دلیل مواجه شدن با اینچنین برخورد کوچه‌ای اظهار تاسف نموده به وی توضیح داد که حرکت لمپنانه یک بنیادگرای جاهل و زن‌ستیز ربطی به مردم افغانستان ندارد و خوشبختانه طی چند روز گذشته جمع وسیع از افغان‌ها در شبکه‌های اجتماعی حنفی را با کلمات و زبانی که شایسته اوست، محکوم و نفرین کرده‌اند.

مستند ساخته ایزابیل یانگ به تاریخ ۸ اپریل ۲۰۱۶ از تلویزیون ایچ‌بی‌او پخش شد. او به سراغ زنان قربانی خشونت و ستم در خانه امن و بخش سوختگی شفاخانه‌ای در کابل می‌رود که کشور شان توسط نیروهای استیلاگر امریکایی و ناتو در تبنانی با دست‌نشانندگان داخلی مرتجع بنیادگرا و غیربنیادگرایش اشغال شده است. زنانی که از ترس اقارب مرد شان در خفا زندگی می‌کنند، از

تیره بختی های خویش در محیط زندان و دنیای بیرون سخن می گویند. افزون بر آن، در مستند مذکور مقاومت و مبارزه زنان در برابر این همه آلام نیز به تصویر کشیده شده است. زنان خانه در صنف های سوادآموزی خانگی



۱۶ میزان ۱۳۹۴: ایزابیل یانگ در جریان راهپیمایی «حزب همبستگی افغانستان» در تقبیح سالروز اشغال افغانستان توسط امریکا و ناتو

می آموزند تا آینده ی بهتری داشته باشند. سپس خانم یانگ پای صحبت سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی افغانستان می نشیند و درمورد وضعیت اسفبار زنان افغانستان، اشغال کشور توسط نیروهای امریکایی و ناتو و رد قانون محو خشونت علیه زنان توسط

پارلمان حرف می زند. در ضمن صحنه هایی از تظاهرات حزب همبستگی علیه نیروهای اشغالگر و دست نشانده گان بنیادگرای شان نیز نمایش داده شده است. مستند مذکور این بار چهره زن ستیز و متحجر نذیر احمد حنفی، عضو پارلمان و از جمعیتی های مربوط تورن اسماعیل را نیز برملا می سازد که طی آن خبرنگار با برخورد خشن و بدور از انسانیت او مواجه می شود. شایان ذکر است که در هنگام اعتراض های محصلان در برابر دروازه ورودی پارلمان در واکنش به تغییر نام پوهنتون تعلیم و تربیه به برهان الدین ربانی، موثر حامل حنفی چندین محصل معترض را زخمی نمود.

خانم یانگ در مورد تجربه تلخ مصاحبه با حنفی می گوید:

«دیدار خوبی نبود، چنین درک کردم که زن بودنم باعث می شد که نذیر احمد حنفی مرا من حیث دشمن بپندارد. فکر می کنم که ترجمان مان صلاح دید تا تمام گفته هایش را ترجمه نکند، نفهمیدم که خیلی دشنام ها را نثار من کرده است. همچنان این مصاحبه به طور باور نکردنی عجیب و واقعا دردآور بود چون به سوی من نمی دید و با ترجمانم صحبت می کرد. سخنانم را قطع می کرد و به سوال هایم گوش نمی کرد. می دانستم که وقت کم داریم و باید

بیشترین حرف‌ها را ازش می‌کشیدم و او چندان جواب نمی‌داد.
بلی، تجربه خرابی بود.»

در این مصاحبه که حنفی در آغاز تلاش می‌ورزد تا خود را دموکرات جلوه دهد، به زودی و با اولین سوال، چهره بنیادگرا و ضدزن خود را به نمایش می‌گذارد. او در جریان مصاحبه ابتدا پایش را گستاخانه دراز می‌کند و پسان آنقدر دست و پاچه می‌شود که حرف‌هایش درهم و برهم شده و حتا «لت و کوپ» را «کت و لوب» می‌گوید. هرچند، ممکن است هر فردی کلمه‌ای را اشتباه تلفظ کند ولی وضعیت حنفی بیانگر این امر است که بنیادگرایی از جنس وی حتا تحمل پرسش‌های رک از سوی یک زن را ندارد و از خشم زیاد خبرنگار زن را با این کلمات تهدید به تجاوز جنسی می‌کند: «تو را به دست یک جوان افغان بدهم که از بینات بیرون کند!»

حنفی در مصاحبه با «رادیو آزادی» ابتدا منکر چنین مصاحبه‌ای می‌شود ولی وقتی خبرنگار تاکید می‌ورزد که تصویرتان موجود است، حنفی با پرویی می‌گوید ساختن تصویر کار بسیار آسان و عادی است و با چشم‌پارگی بی‌مانندی اعتراف می‌کند که برای خبرنگار گفته باید با یک جوان افغان عقد کند. در همین مصاحبه اعلان می‌کند که هرگز حاضر به پوزش‌خواهی از این خبرنگار زن نیست و آن زن باید از وی معذرت بخواهد چون علیه او توطئه نموده است!

حنفی یک فرد نه بلکه از جمعی نمایندگی می‌کند که اصطلاح «بنیادگرا» بر آنان اطلاق می‌شود و دشمنی با زن و انسانیت مشخصه بارز این جماعت عصر حجری‌ست. اینان وقتی بر کودکان هفت ساله تا مادران هفتادساله رحم نکرده آنان را مورد تجاوز جمعی قرار دهند، پس بر یک خبرنگار ۲۲ ساله زن خارجی رحمی خواهند کرد؟ همین جاهلان اند که در چشم جهانیان از مردم افغانستان تصویر وحشیان بیگانه با انسانیت ارایه می‌کنند. به هر افغان شرافتمند و بیدار است که با افشا و محکوم کردن وسیع این حرکت بی‌شرمانه حنفی، به خانم ایزابیل و تمامی جهانیان اعلان نمایند که این قشر مزدورپیشه و فاسد و تاریک‌اندیش هرگز از ملت ما، که در مهمان‌نوازی شهرت جهانی دارند، نمایندگی نمی‌توانند.

ویدیوی این گفتگو با زیرنویس دری را در اینجا تماشا کنید:

youtube.com/watch?v=5Qw0XIXBROQ

نویسنده: رها آرزو

معرفی کتاب افشاگر «افغانستان خونین: واشنگتن، جنگسالاران و تبلیغات سکوت»



«افغانستان خونین: واشنگتن، جنگسالاران و تبلیغات سکوت» نام کتابیست که بین سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ توسط سونالی کولهاکار (Sonali Kolhatkar) و

جیمز انگلس (James Ingalls) نویسندگان امریکایی به تحریر درآمده است. هر دو نویسنده از بنیانگذاران سازمان Afghan Women's Mission می‌باشند که از ۱۹۹۹ بدینسو از زنان و کودکان افغان حمایت می‌کند. سونالی گرداننده رادیوی Uprising نیز است که از لاس‌انجلس پخش شده و عمدتاً برنامه‌هایی در مورد جنبش‌های آزادیبخش در نقاط مختلف دنیا و جنایات امپریالیست‌ها عرضه می‌دارد.

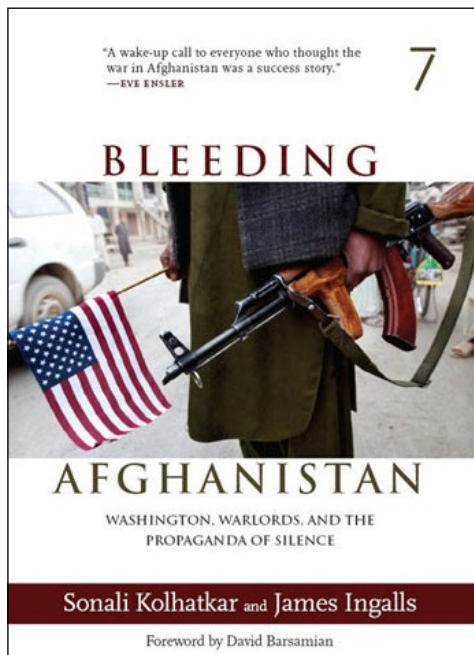
«افغانستان خونین: واشنگتن، جنگسالاران و تبلیغات سکوت» در ۳۱۶ صفحه و سه فصل توسط انتشارات Seven Stories Press در سال ۲۰۰۶ به زبان انگلیسی به چاپ رسید و نتیجه تحقیق و مطالعه چندین ساله در مورد جنگ افغانستان و نقش امریکا در تمویل و حمایت جنگسالاران از کودتای هفت ثور

و تجاوز شوروی تا اشغال کشور توسط ناتو، می‌باشد. سونالی و جیمز ضمن سفری در سال ۲۰۰۵ به افغانستان با ده‌ها زن و مرد افغان مصاحبه انجام دادند تا از تجارب تلخ زندگی آنان تحت حاکمیت خلق و پرچم، بنیادگرایان تنظیمی و طالبان و اشغالگران امریکایی بدانند.

ایو انسler نویسنده و فمینیست مشهور امریکایی این کتاب را «زنگ بیدارباش

به تمامی کسانی که گمان می‌برند جنگ افغانستان یک موفقیت بود» نامیده است.

نویسندگان در مقدمه به بی‌خبری مردم امریکا از عملکرد دولت شان در افغانستان طی چند دهه گذشته چنین اشاره می‌نمایند که اگر از امریکایی‌ها سوال شود که کشورشان اولین بار چه زمانی در گیر مسئله افغانستان گردید جواب اکثریت شان اینست که پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱. رسانه‌های جمعی ایالات متحده به گونه‌ای عمل نموده‌اند تا شهروندان آن از بسیاری وقایع وحشتبار دنیا و نقش دولت شان در آنها بی‌خبر بمانند.



«افغانستان خونین: واشنگتن، جنگسالاران و تبلیغات سکوت» نام کتابیست که بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ توسط سونالی کول‌هتکار و جیمز انگلس به تحریر درآمده است.

دستگاه‌های تبلیغاتی امریکا - که اکثراً مستقیم و یا غیرمستقیم توسط دولت نظارت می‌شوند - بعد از حملات یازدهم سپتامبر به مردم می‌قبولاندند که مثلاً اسامه بن‌لادن و القاعده دشمن امریکایی‌ها و در مجموع مدنیت غرب اند و یا طالبان نیروهای خطرناک و ضدزن اند بناءً امریکا ناگزیر است برای حفظ جان شهروندان خود و نجات مردم و بخصوص زنان افغانستان اقدام نماید. سونالی و جیمز در پاسخ به این مسایل می‌نویسند که مردم امریکا باید از نقش دولت شان در افغانستان طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی و جریان جنگ ضدروسی، بدانند. آنان باید آگاه گردند که دولت امریکا نیروهای بنیادگرا را حمایت نموده و

زمینه را برای به قدرت رسیدن طالبان مهیا ساخت.

سونالی و جیمز در سال ۲۰۰۵ با تعدادی از وابستگان قربانیانی مصاحبه



فبروری ۲۰۰۵: سونالی کول هتکار و جیمز انگلس در حال مصاحبه با مردم در یک قریه دورافتاده فراه.

نمودند که توسط سران بنیادگرا مخصوصاً گلبدین و سیاف اختطاف و سر به نیست شده‌اند. گروه‌های بنیادگرای که در دهه ۸۰ میلادی بچه‌های نازدانه امریکا بوده و بیشترین کمک‌های نقدی و تسلیحاتی سی‌آی‌ای را دریافت می‌داشتند؛

گروه‌های تنظیمی‌ای که بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ با حمایت غرب و امریکا به کابل هجوم برده و آن را به ویرانه مبدل کردند؛ ده‌ها هزار انسان بی‌گناه را کشته و وحشیانه‌ترین جنایت و تجاوز را علیه زنان و رهنی و چپاول را مرتکب شدند. سونالی و جیمز می‌نویسند:

«اکثر امریکایی‌ها ظلم و ستم بر زنان افغان را مشخصه طالبان می‌دانند، در حالی که طالبان قوانین ضدزن را که توسط دست‌پروردگان امریکایی، مجاهدین، وضع شده بود فرمول‌بندی کردند. بین طالبان و مجاهدین تفاوت بسیار کمی وجود دارد. وزارت مشهور امربالمعروف و نهی از منکر جهت بررسی حجاب زنان و اندازه‌گیری ریش مردان، در زمان حکومت مجاهدین تاسیس گردید. تجاوز به زنان یک حربه معمول در جریان جنگ‌های پروردگان بنیادگرای امریکا بوده است...» (ص ۱۵)

نویسندگان در نهایت نتیجه می‌گیرند که سیاست‌های استعماری و بنیادگراپرور امریکا در جریان جنگ علیه روس‌ها باعث ادامه بحران کنونی در افغانستان می‌باشد.

در این اثر، تاریخ سه دهه جنگ افغانستان از کودتای هفت ثور تا یازدهم سپتامبر و تجاوز نظامی نیروهای ناتو به رهبری امریکا به بررسی گرفته شده است. اسناد و شواهد معتبری ارایه گردیده که نشان می‌دهد امریکا بنیادگرایان

جهادی را بدون در نظر داشت افکار تروریستی، خطرناک و ضدزن شان فقط به منظور مقابله با دشمن دیرینه خود (اتحاد شوروی) تا توانست حمایت کرد. مقامات امریکایی اصلاً کوچکترین تشویشی نسبت به آینده دموکراسی در افغانستان، وضعیت حقوق بشر و زنان نداشتند. سونالی و جیمز در صفحه ۱۷ کتاب خود جملات یکن از مقامات دولت امریکا (که اسم وی فاش نشده) را که به «نیویارک تایمز» بیان داشته است بازگو می کنند:



فبروری ۲۰۰۵: سونالی کول هتکار و جیمز انگلس با جمعی از کودکان افغان در پرورشگاهی در فراه.

«با خروج روس ها و سقوط دولت نجیب) اکثر افراد در دولت امریکا به این نتیجه رسیدند که هدف ما در افغانستان بسیار محدود شده است... چیزی که ما می خواهیم اینست که افغانستان باعث بی ثباتی کشورهای همسایه خود مثل پاکستان و جمهوری های آسیای میانه نگردد، جاهایی که ما واقعا مهمترین منافع خود را داریم و نمی خواهیم که افغانستان رادیکالیزم خود را به آنها انتشار دهد.»

در بخش دوم کتاب نویسندگان به بحث تغییر رژیم و نتایج آن در افغانستان پرداخته اند. دولت بوش بدون هرگونه معطلی، کمتر از یک ماه بعد از حادثه یازدهم سپتامبر در هفتم اکتوبر افغانستان را مورد حمله قرار داد تا رژیم طالبان سرنگون گردد. بیشمار افراد غیرنظامی در جریان بمباران های امریکا کشته شدند و هزاران تن دیگر به دلیل نبود غذا و دوا و سردی هوا جان شان را از دست دادند.

ایدئولوگ های غربی اصطلاحات خاصی را جهت توجیه مداخله و تجاوز دولت های شان به جهان سوم، ابداع می نمایند. (Failed State) یا «دولت

ناکام» از جمله القابی بود که از سوی غربی‌ها به رژیم قرون وسطی اندیش طالبان گذاشته شد. مشخص شدن دولت طالبان به عنوان دولتی که قادر نیست از تمامیت اراضی و مرزهایش دفاع کند به قدرت‌های بین‌المللی در راس شان امریکا اجازه داد تا برای ساختن دولت (State Building) افغانستان را اشغال نمایند. سونالی و جمیز در کتاب خود پیامدهای این تجاوز و دولت‌سازی را به بهترین صورت به بررسی می‌گیرند. اسناد نشان می‌دهد که بعد از تجاوز امریکا و ناتو به افغانستان، فساد، ناامنی و اختطاف و ترور خبرنگاران خارجی و داخلی، کشته شدن افراد بی‌گناه زیر نام طالب و تروریست و خشونت علیه زنان به مراتب افزایش یافته است.

شکنجه افغان‌های بی‌گناه توسط عساکر امریکایی در زندان‌ها از مورد دیگریست که نویسندگان به آن پرداخته‌اند. آنان از قول محققان حقوق بشر سازمان ملل چگونگی دستگیری و شکنجه در زندان‌ها توسط عساکر امریکایی را چنین نقل می‌کنند:

«نیروها وارد خانه‌ها می‌شوند، آنان افراد داخلی و خارجی را بدون هر مجوز قانونی دستگیر و زندانی می‌کنند، بعضا برای مدت‌های مدید. برهنه کردن اجباری، محروم نمودن از خواب و غذا، به اجبار سر پا ایستادن و نشستن برای مدت‌های طولانی در حالت اضطراب، آزار و اذیت جنسی، لت و کوب، شکنجه و استفاده از قواء تا سرحد مرگ.» (ص ۸۱)

در بخش سوم کتاب سونالی و جمیز به قدرتمندتر شدن جنگسالاران و جنایتکاران بعد از حضور امریکا در افغانستان تمرکز داده‌اند. در حالی که ده‌ها زن و مرد افغان از جنایات هولناک دوران جنگ‌های تنظیمی می‌گویند، امریکا آنان را دوست صمیمی و دیرینه خود به حساب آورده و عمدتاً در ساختن دولت جدید روی آنان تکیه نمود. نویسندگان نکته مهم را از روزنامه «نیویارک تایمز» نقل می‌کنند:

«... عملیات نظامی امریکا تقریباً تمامی جنگسالارانی را دوباره به قدرت آورد که باعث بی‌ثباتی کشور در زمان قبل از طالبان شده بودند.» (ص ۹۸)

سونالی و جمیز به خوبی شرح می‌دهند که بعد از تجاوز ناتو در راس امریکا چگونه جنگسالارانی مانند اسماعیل خان، داوود داوود، رشید دوستم

و گل آقا شیرزوی حاکمیت حاصل نموده و در ولایات خود مانند خدایان حکمرانی می نمایند. آنان می نویسند:

«اسماعیل خان که از سوی وزیر خارجه [امریکا] دونالد رامسفلد فرد "جذاب" و "متفکر" معرفی می گردد، توسط "سازمان دیده بان حقوق بشر" بخاطر دستور دستگیر و لت و کوب افرادی که در حرکت های سیاسی شرکت کرده اند، مخصوصا پشتون ها، انتقاد می گردد.» (ص ۱۰۶)

سونالی و جمیز در بخش دیگری از کتاب به فساد، حیف و میل کمک های خارجی، چور و غصب زمین و مواد مخدر می پردازند.

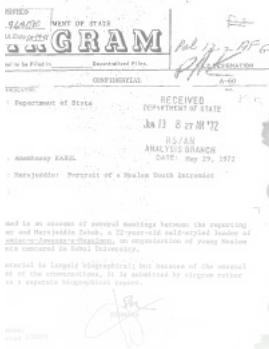
یکی از مهمترین دلایلی که از سوی امریکا و انگلستان در حمله به افغانستان بعد از یازدهم سپتامبر پیش کشیده شده جلوگیری از کشت مواد مخدر که تروریستان را حمایت مالی می نمود، بود. در حالی که نویسندگان نشان می دهند که بعد از حمله امریکا جنگسالاران بر کشت و قاچاق مواد مخدر حاکمیت بیشتر حاصل نمودند و افغانستان را به بزرگترین تولیدکننده تریاک مبدل ساختند.

سونالی و جمیز مدعی اند که تجاوز جنسی، اختطاف و خودسوزی زنان در این سال ها به مراتب بیشتر از دوران طالبان بوده است. آنان می نویسند: «جنگسالاران زنان افغان را به عین افکار طالبان و در مواردی بدتر از آن مورد حمله قرار می دهند.» (ص ۱۱۳)

یکی از بزرگان قوم به نویسندگان گفته است: «بسیار خانه ها مورد غارت قرار گرفته اند و بسیار زنان مورد تجاوز، ولی مردم ترس دارند که دوباره آن صحبت کنند، به خاطری که آنان تهدید شده اند... آنان از جان خود می ترسند.» (ص ۱۱۳)

به صورت مختصر می توان گفت که «افغانستان خونین: واشنگتن، جنگسالاران و تبلیغات سکوت» یک اثر درخور تحسین است که توسط این دو نویسنده با وجدان بیدار و چشمان باز به نگارش درآمده است و خواندن آن برای خوانندگان عزیز توصیه می گردد.

نویسنده: نوید نابدل



سند محرم: رابطه اخوانی ها با امریکا در دوران ظاهر شاه



تصور غالب اینست که رهبران و باندهای اخوانی افغانستان در جریان جنگ مقاومت ضدروسی به پای امریکا و سی.آی.ای افتیدند. اما بر اساس اسناد محرم سفارت

امریکا در کابل که دیگر از رده بندی خارج شده اند، یکی از رهبران جریان «اخوان المسلمین» به نام معراج الدین ذهیب (فاروق) اوایل ۱۹۷۲ در دوران ظاهر شاه بارها با مقامات سفارت امریکا در کابل تماس گرفته زیرنام داشتن «اهداف مشترک علیه کمونیسم» خواهان کمک مالی شده است.

این سند چهار صفحه ای گزارش دیدارها با معراج الدین است که به تاریخ ۱۳ جون ۱۹۷۲ (۲۳ جوزای ۱۳۵۰) از سوی سفارت امریکا در کابل به وزارت خارجه آن کشور مخابره شده است. در سند علاوه بر درج جریان چندین دیدار، شرحی از زندگی معراج الدین آمده که او را یکی از فعالان جریان «جوانان مسلمان» نامیده که در گردهمایی های آن سخنرانی می کند و چند بار زندانی شده است.

در بخشی از سند جریان ملاقات چنین شرح داده شده است:

«بعد از اینکه به تفصیل فعالیت‌های ضدکمونیستی گروهش را بازگو نمود او به اصل نکته رسید: با تقدیر از خدمات باارزشی که گروه او علیه شوروی و کمونیسم ارائه می‌دارد، آیا ایالات متحده می‌تواند روی تمویل مالی یک چاپخانه برای آنان غور نماید؟ ... او نتیجه‌گیری نمود که ایالات متحده باید با گروه او همکاری نماید چون مسلمانان واقعی و امریکایی‌ها هردو در جنگ علیه یک ایدئولوژی که شدیداً در ضدیت با شیوه زندگی ماست اهداف

مشترک دارند. او توضیحات داد که گروهش پول کافی ندارد که روزنامه‌ای را تمویل کند و آنان بیشتر محدود به پخش ورقه‌های تایپی و میموگراف شده‌اند. او گفت که هفته‌نامه‌های شخصی با افکار مذهبی (گهیز و ندای حق) ممکن در مواقعی مقالاتی نشر کنند، اما هیچکدام متحد قابل اطمینان گروه او به شمار نمی‌روند.»

دولود سند محرم رابطه اخوانی‌ها با امریکا
در دوران ظاهرشاه
hambastagi.org/new/images/pdf/ikhwan_contact_usa_embassy.pdf

معراج‌الدین برای جلب توجه امریکا، از فعالیت‌های تروریستی «جوانان مسلمان» علیه کمونیست‌ها نیز یادآوری نموده

در ضمن گفته است که آنان مسئول قتل چهار فرد چپی در میترلام لغمان بودند که در ارتباط به آن چند تن گرفتار شده‌اند.

اما ظاهراً پاسخ سفارت منفی بود:

«در مورد درخواست کمک مالی... من به معراج‌الدین توضیح دادم که باوجود هر مقدار سمپاتی که با گروه او ممکن داشته

باشیم، اما نمی‌توانیم مستقیماً در جنگ مذهبی او دخیل شویم.» هر چند به گواهی این سند، امریکایی‌ها درخواست کمک اخوانی‌ها را رد کردند، اما واقعات بعدی تاریخی نشان داد که این دیدار آغاز دوری گشت که امریکا و سی.آی.ای تمامی باندهای اخوانی را در آغوش گرفته صد‌ها میلیون دالر پول و تجهیزات به آنان واریز نمودند که امروز هر کدام به ویروس‌های خطرناکی در جامعه ما بدل گشته سرنوشت وطن و مردم ما را فاجعه‌بار ساخته اند.

باآنکه رابطه اخوان المسلمین مصر با امریکا به سالهای بعد از جنگ جهانی دوم و بخصوص به زمانی برمی‌گردد که سعید رمضان (داماد حسن البنا مؤسس اخوان المسلمین و در واقع ایدئولوگ و وزیر خارجه این جریان استعماری) در ۱۹۵۲ در کاخ سفید از سوی ایزونهور رئیس جمهور امریکا استقبال شد. اسناد بعدی فاش نمود که سعید رمضان از گماشته‌های سی.آی.ای. بشمار می‌رفت. امریکا با درسگیری از استعمار بریتانیا و تجربه‌ای که با اخوان المسلمین مصر داشت، استعداد خارق‌العاده این جریان را به غلامی و عشق رهبرانش به دالر را درک کرده بود که به همین دلیل با دست باز از باندهای اخوانی افغانستان حمایت نمود که تا امروز ادامه داشته با اتکا بر آنان افغانستان را در چنگالش نگهداشته است.



تلاش برای نجات یک لاشه گندیده

کارتون‌نویست: عتیق شاهد

نویسنده: شاداب روستایی

احیای قدرت و ستم جنگسالاران در ولسوالی رستاق تخار



مدتیست که داکتر ضیا، والی جدید تخار با راه‌اندازی تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای و فیسبوکی طوری وانمود می‌سازد که با نصب او در این ولایت، درهای سعادت

و رفاه به روی مردم باز شده است. برای درک وضعیت فاجعه‌بار مردم تخار و بی‌عدالتی حاکم در آنجا به‌طور مختصر گزارشی از ولسوالی رستاق را جهت اطلاع مردم تقدیم می‌دارم.

رستاق از ولسوالی‌های پهناور و پرنفوس ولایت تخار می‌باشد که ملیت‌های گوناگون چون تاجیک، اوزبیک، بلوچ، پشتون، عرب و غیره را در خود جا داده که در طول تاریخ در کنار هم برادروار زندگی داشته‌اند. هر بار حکام زمان خواسته‌اند میان این ملیت‌ها که چون نگین‌های زیبا بر تاج افتخار این مرز و بوم خودنمایی می‌کنند تفرقه ایجاد نمایند، اما خوشبختانه در این خیانت‌شان توفیق چندانی نداشته‌اند.

در دوران حکومت کرزی در اثر خیزش و تظاهرات چندین روزه



سبحان قل، شریک جرم پیرمقل

مردم، جنگسالار سفاک به نام پیرمقل و همه سرگروپان ستم‌پیشه‌اش خانه‌نشین شدند و خود پیرمقل و شریک جرمش سبحان‌قل از ترس انتقام مردم از رستاق به مرکز تخار کوچیدند. پیرمقل و سبحان‌قل در جریان انتخابات گذشته ریاست جمهوری وسیعا برای دوستم کمپاین کردند و دوستم نیز دو سه بار در جریان کارزارهای انتخاباتی به تخار آمده با اینان نشست و برخاست داشت. به

پاس همین خدمت، وقتی دوستم معاون ریاست جمهوری شد، سبحان‌قل را منحیث قومندان امنیه به فاریاب منسوب کرد اما با گذشت زمانی بنابر دلایل ناروشن برکنار شد. پیرمقل نیز با وساطت دوستم صاحب افراد مسلح تحت عنوان اربکی گردید. بنابر معاملات ضدملی دولت «وحشت ملی» این دشمن رستاقیان با تمامی سرگروپان و قوماندانانش زیر نام «اربکی» مسلح شده به جان مردم افتاده اند و روزگار آنان را تلخ ساخته اند.

طورمثال: در پایان شهر، فردی به نام زمان فرزند گرگ‌علی (خسربره پیرمقل) برای شکنجه و آزار مردم از سیاهچال‌ها استفاده کرده هرآن کس را که دلش خواست در آن زندانی می‌سازد. ولسوال و قوماندان امنیه از موضوع آگاهی دارند اما کاری انجام نمی‌دهند. سرگروپ مذکور با این شیوه به شکنجه و چور و چپاول می‌پردازد.



قوماندان محمد امین یکی دیگر از سرگروپان پیرمقل به همین شیوه در باغ‌حصار رستاق برای خود زندان و سیاهچال ساخته مصروف چاپیدن مردم مظلوم آن دیار است اما کسی به داد ستم‌دیدگان نمی‌رسد.

خلیل‌الله یکی از پسران پیرمقل که مثل پدر آدمکش‌شان عاشق تفنگ و زورمداری اند.

پهلوان ابراهیم از دیگر سرگروپان پیرمقل در قریه قریغاج، لنگر، سرجو

و غیره حاکمیت داشته برای خود زندان و سیاهچال شخصی ساخته و چون کنه به جان مردم مظلوم آن مناطق چسبیده است.

قوماندان نذیر از سوی پیرمقل بنام «اربکی» مسلح شده در قریه یامچی و اطراف آن مثل برادرانش خون مردم را می مکد.

محمود خوجین سرگروپ پیرمقل بوده که در قریه لاله میدان و گندهبای و غیره برای خود زندان شخصی داشته چون زخم سرطان برگرده های زخمی



فریدون کودک هشت ساله‌ای که توسط پیرمقلی‌ها کشته و جسدش به دریای کوکچه انداخته شد.

مردم سوار است و جان و مال و ناموس مردم از دست این جانی در امان نیست.

قوماندان عین الدین (خسر پیرمقل)

نیز از جمله وحشی‌هایی است که از طرف

پیرمقل تجهیز شده و چندین صد نفر مسلح

دارد که در اکثر قشلاق‌های شرقی رستاق

به چور و سرکوب مردم می‌پردازد. او

همانیست که در زمان حکومت کرسی به

امر پیرمقل، فریدون پسر هشت ساله حلیم

«سیابی» را اختطاف و بعد جسد او را به

دریای کوکچه انداخته بود. وقتی مردم

جسد طفلک معصوم را از دشت قلعه تخرار

از دریا بیرون کردند، پدرش (حلیم) خاموش نه‌نشسته این موضوع را رسانه‌ای کرد که در نتیجه عین الدین او را نیز زندانی کرده بود.

یکماه قبل این قوماندان، حلیم «سیابی» را که علیه او و پیرمقل دادخواهی

می‌کرد در مسیر راه تالقان - رستاق در منطقه ازم کوتل از موتر پایین نموده

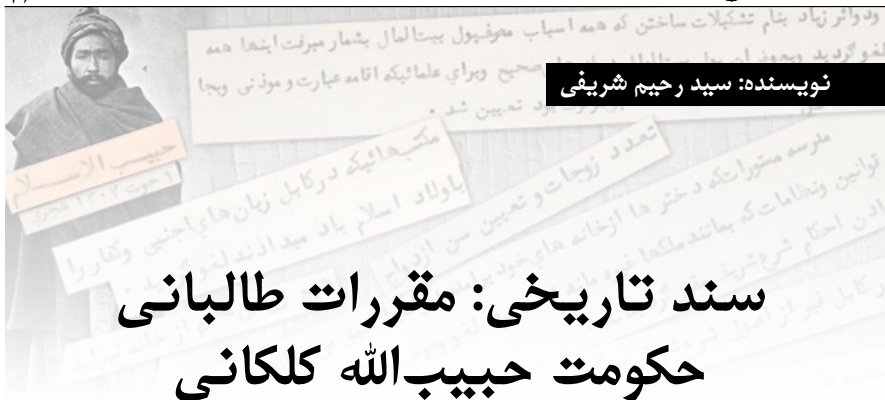
تحویل پیرمقل می‌کند تا نابودش کند. وقتی قضیه به اهالی قریه سیاب

می‌رسد، فوری صدها تن خانه پیرمقل را محاصره نموده خواهان رهایی فوری

او می‌شوند که پیرمقل چاره‌ای نیافته حلیم را رها می‌کند.

فعلاً دولت مرکزی رستاق را به همین جانان سپرده و مقامات محلی عملاً

از هیچ نوع صلاحیت برخوردار نیستند.



می دانیم که رویکار آمدن حکومت حبیب الله کلکانی با توطئه پشت پرده انگلیس ها برای سقوط حکومت ملی و مرفی امانی، پایانی بر یک دوره پرشکوه تاریخ ما بود.

نخستین اعلامیه دوره جهل «سقوی» به منزله جنگ علیه معارف و زنان بود. هرچند اولین سخنرانی حبیب الله کلکانی که درج صفحات تاریخ شده کافی در مورد ماهیت این مقطع غمبار و سیاه تاریخ ما گواهی می دهد، اما با مرور قید و بندهای رسمی آن زمان می توان دریافت که رژیم طالبان عینا همانها را کاپی نموده در حاکمیت قرون وسطایی شان بر ملت ما یکبار دیگر تحمیل نمودند. «حبیب الاسلام» جریده رسمی آن دوران بود که در نخستین شماره آن بخشی از مقررات به چاپ رسید که در ذیل آنرا بازتایپ و جهت انتشار در سایت پر محتوای «حزب همبستگی افغانستان» تقدیم می دارم:

منبع: «حبیب الاسلام»، شماره اول، پنجشنبه، ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۴۷، ۹ حوت ۱۳۰۷
 بعد از اینکه سلطنت اسلامیة حالیه قایم شد از جمله مقررات و عملیات که برای دفع عملیات بد سابقه که بنام ترقی روی کار آمده بود فقرات ذیل است:
 مقررات حکومت سنیة حالیه:
 رفع حجاب که آزاد گذاشته شده بود لغو و بعوض مقرر گردید که هیچ



منبع: «حبيب الاسلام»، شماره اول، پنجشنبه، ۱۷
رمضان المبارک ۱۳۴۷، ۹ حوت ۱۳۰۷

زن بی محرم خود از خانه نبراید.
مکتب‌هاییکه در کابل زبان‌های
اجنبی و کفار را باولاد اسلام یاد
میدادند لغو گردید.

دیگر مدرسه‌ها که بچه‌های
اهالی که شرعا منزله دختر
بالغه را دارند و در آن مکتب‌ها
درس‌هاییکه از مفاد دینی و علم
شرایع و احکام قرانی بران‌ها
مرتب نیست بلکه در اعتقادشان
خلل‌های زیادی واصل میشود یاد
میگرفتند. بلی تعلیم هر فرد مسلم
جائز است مگر مقصد از علم
احکام دین و اصول عبادات است
نه علوم زیاده لسان خارجه کفر یا

نام و یاد سلاطین ماضیه کفر را یاد گرفتن اینهمه مکتب‌ها لغو شد.

مدرسه مستورات که دخترها از خانه‌های خود برآمده در آنجا سبق
می‌خواندند موقوف شد قوانین و نظامات که بمانند ملک‌ها و غیره مانده شده
بود لغو و عوض آن قضات مقرر و به تطبیق دادن احکام شرع شریف مقرر
گردیدند.

همچنین باقی مسائل جزئی و کلی بد که در این ده سال بنام ترقی رواج
یافته بود از قبیل سلام‌های رقم رقم - یا کلاه‌فرنگی و دریشی یا موقوف
کردن تعدد زوجات و تعیین سن ازدواج و دوائر زیاد بنام تشکیلات ساختن
همه اسباب مصرف پول بیت‌المال بشمار میرفت اینها همه لغو گردید و بعوض
آن پول بیت‌المال بدرک‌های صحیح و برای علمائیکه اقامه عبادت و مودنی
بجا آورده فرائض دین را مینمایند که سابق موقوف بود تعیین شد.

و الحاصل امروز در کابل غیر از اصول شرع دیگر هیچ مظهري دیده
نمیشود آنچه را که حکم خداوند کریم و سنت رسول مقبول امر میفرماید
رویکار است.



اجلاس بی نتیجه سازمان همکاری اسلامی در ترکیه

سیزدهمین اجلاس سازمان همکاری اسلامی در ترکیه مثل هر کار دیگر کشورهای اسلامی به تاریخ ۱۵ اپریل ۲۰۱۶ با اختلافات شدید و تقریباً بی نتیجه به پایان رسید. در اثر اختلافات موجود بخصوص میان عربستان و ایران، کشورها روی متن بیانیه پایانی به توافق نرسیدند بنا هیچ قطع نامه‌ای در مراسم اختتامیه قرائت نشد و حسن روحانی، رئیس جمهوری و جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران از شرکت در این مراسم ابا ورزیدند چون به نظر می رسید که اکثر کشورها به نقش خرابکارانه رژیم منقر ایران در منطقه توافق نظر داشتند. اردوغان تصمیم اجلاس را با عامگویی های «اتحاد جهان اسلام»، «مبارزه علیه تروریسم»، «احترام به حق حاکمیت کشورها» و... اعلان کرد. با آنکه ۵۷ کشور عضویت سازمان همکاری اسلامی (OIC) را دارند، اما عملاً موثریت چندانی در معاملات جهانی نداشته نشست هایش با تصویب یک قطع نامه عاری از ضمانت اجرایی به پایان می رسد.

از افغانستان امسال دبل عبدالله منحیت نماینده با جمعی شرکت داشت که فقط خوش داشت عکس های رنگارنگ گرفته در صفحه فیسبوکش نشر کند که خوشبختانه افغانهای زیادی با پیام های شان به رویش سیلی کوبیدند. چند نمونه این پیام ها:

عطاءالله ممتاز فقیرزاده

خوش باش، شیک پوشی کن ملتی که به تو رای داده بود و امروز در شمال کشور در خون می تپد هیچ گپی نیست. عیش و نوش کن فقط چند سال دیگر داری بعداً به گودال تاریخ میروی آرایشی نمک نشناس. نام ات را به به بنده جان کری تغییر بده ای مزدور!

Sayed Hashemi

تصاویر شما یعنی نمک پاشیدن به زخم های مردمی است که به تو رای دادند. اگر دیگر کاری از تو ساخته نیست پس لطف کنید زخم های دامت مردم را با عکس هایتان تازه نسازید. شاعری چه زیبا فرموده:
گر خدا خواهد کاری کند
خ ر ی را از آخوری آرد و سیاستمداری کند

نویسنده: هیله نوری

اعتراضات خشماگین در ارجنتاین علیه حضور اوباما



با سفر رسمی اوباما به ارجنتاین هزاران تن در جاده‌های بوینوس آیرس دست به تظاهرات خشماگین زده پرچم امریکا را به آتش کشیدند. سفر اوباما همزمان است با

چهلمین سالروز کودتای نظامی تحت حمایت امریکا در آن کشور که مسبب شکنجه و کشتار دهها هزار تن از عناصر پیشرو و آزادی‌خواه آن کشور بود. در حالیکه اوباما در میان جمعی از ثروتمندان ارجنتاین در کلوپ مشهور «گروه چهارصد فامیل» مصروف رقص تانگو با یک رقاصه ارجنتاینی بود، در بیرون هزاران تن علیه او شعار می‌دادند که «اوباما به خانه‌ات برگرد!»، «اوباما گم شو!». این کلوپ همان جایی است که چهل سال قبل نظامیان و زمینداران بزرگ با همکاری مستقیم سی.ای.ای در یک کودتای خونین قدرت را به چنگ گرفته با اعلان حکومت نظامی در ۲۴ مارچ ۱۹۷۶، جو وحشت و ترور را حاکم ساختند. حکومت تحت رهبری دیکتاتور خون‌آشام خورخه رافیل هزاران انسان عدالت‌خواه را دستگیر و به شیوه‌های گوناگون از بین برد



شعار معترضان ارجنتاین علیه حضور اوپاما:
«اوپاما به خانه‌ات برگرد!»

که تا امروز از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست. بنابر گزارش روزنامه «گاردین» (۲۳ مارچ ۲۰۱۶)، جنرال‌ها مخالفان شان را زنده از هیلی کوپتر ها در مناطق یخ‌زده اتلانتیک پایین پرتاب می‌کردند.

هرچند دست پنهان

امریکا در پشت رویدادهای خونبار ارجنتاین در همان ابتدا هویدا بود، اما در سال ۲۰۰۰، حدود ۴۰۰۰ سند محرم سی.آی.ای انتشار یافتند که بر این حقیقت مهر تایید گذاشت. اوپاما طی این سفرش وعده سپرده که بخش دیگر اسناد را نیز از حالت محرم بیرون خواهد کرد. درحالیکه اوپاما از بنای یادبود

حدود سی هزار قربانی دیکتاتوری نظامی دیدار داشت، سازمان‌های مدافع حقوق بشر خشم شانرا ابراز داشتند.

سازمان مشهور «مادران میدان مایو» که چهل سال است برای فرزندان لادرک‌شده شان دادخواهی می‌کنند، در



«مادران میدان مایو» در پیشاپیش اعتراض علیه حضور اوپاما در ارجنتاین

پیشاپیش اعتراض علیه حضور اوپاما شرکت داشته علیه حاکمان ارجنتاین که زمینه این سفر را همزمان با سالگرد قتل فرزندان شان ترتیب داده اند شعار می‌دادند. این مادران در اعلامیه‌ای نوشتند که دستان اوپاما به خون آلوده است بنا حضور او در ارجنتاین را مایه شرمساری می‌دانند.

نویسنده: هیله نوری

درسی از سفر پرتحقیر او باما به کیوبا



سفر تاریخی او باما به کیوبا با بخش وسیع تصویر بالا رقم خورد که آنرا نشریات و جمع وسیع از کاربران شبکه‌های اجتماعی تحقیر شدن رئیس جمهور امریکا در

آن کشور تعبیر کردند. در جریان یک نشست خبری مشترک، او باما خواست دست بالای شانه راثول کاسترو بگذارد، اما او فوری دستش را بالا زد که این صحنه توسط خبرگزاری‌ها ثبت و در اندک زمانی جهانی شد. عدم دیدار فیدل کاسترو با او باما از دیگر حاشیه‌های جالب توجه این سفر بود.

من به مثابه یک افغان وقتی نشست خبری مشترک او باما و راثول کاسترو را دیدم که در آن آقای کاسترو دست او باما را بصورت توهین آمیز بالا برده اعلان نمود که تا وقتی امریکا جزیره گوانتانامو را به کیوبا برنگرداند، عادی سازی روابط با امریکا به نتیجه‌ای نخواهد رسید، فوری صحنه‌های سرخمی برده وار حکام فروخته شده افغانستان در برابر او باما و کیری و دیگر مقامات امریکایی در برابر چشمم مجسم شده غرق شرم و تنفر گردیدم. بیاد



آوردم زمانی را که بوش و او با ما بدون اطلاع قبلی به افغانستان می‌رسیدند، ابتدا تیم امنیتی شان تمامی محافظان ارگ را از الف تاي خلع سلاح و کابینه کرزی از جمله مشاور امنیت ملی اش رنگین سپنتا را با سگ‌ها بازرسی کامل نموده اجازه ورود می‌دادند!

امریکا بیش از نیم قرن است کشور کوچک کیوبا را که فقط حدود هشتاد کیلومتر با خاکش

فاصله دارد زیر مرگبارترین محاصره اقتصادی کشانیده، حداقل ۶۳۸ بار تلاش ناکام برای ترور فیدل کاسترو نمود و با شیوه‌های گوناگون با خریدن ناراضیان کیوبایی و راه اندازی تبلیغات وسیع برای براندازی حکومت آن کشور تلاش نمود. از جمله در سال ۱۹۶۱ لشکر ۱۷۰۰ نفری از شبه‌نظامیان فرستاده امریکا در جنگ مشهور «خلیج خوک‌ها» شکست سختی خوردند که هرگز فراموش این کشور زورگو نخواهد شد. سی.آی.ای که فعالیت‌های وسیع را برای نفوذ در دولت کیوبا راه‌اندازی کرده بود خود زمانی غرق رسوایی شد که معلوم گردید تعدادی از کیوبایی‌ها در لباس مخالف رژیم کاسترو اما به هدف خنثی‌سازی برنامه‌های سازمان‌های استخباراتی امریکا موفق به نفوذ در سری‌ترین ادارات آن کشور گردیده بودند.

اما در انتها تمامی این عملیات‌های خرابکارانه به شکست انجامید و مردم کیوبا سرفراز و تسلیم‌ناپذیر به پیش تاخته با اتکا به خود در بسا زمینه‌ها و منجمله تعلیم و تربیه و صحت به کشور نمونه بدل گشتند. سالها قبل فیدل کاسترو در خطابی به بوش با این کلمات کشورش را با امریکا مقایسه کرد: «شما می‌توانید بمب به جهان صادر کنید، و ما دوا و داکتر صادر خواهیم

کرد.»

اکثر تحلیلگران معتقد اند که امریکا با عادی سازی روابطش با کیوبا عملاً به شکستش اذعان نمود ولی می کوشد با شیوه های محیلانه تر در لباس

دوست آن کشور را زانو در آورد. اما درین مورد ارویل سانچز، خبرنگار، نویسنده و رئیس سابق «مرکز نویسندگان کیوبا» در آستانه سفر او با ما نوشت: «اگر کسی باور

دارد که رهبری فعلی در کیوبا از نوع "گورباچفی کاریبی" می باشد،

روزنامه «واشنگتن پست» این کارتون را زیر عنوان «کارتونیست ها سفر او با ما به کیوبا را چگونه ارزیابی کردند» به تاریخ ۲۲ مارچ ۲۰۱۶ نشر کرد.
کارتونیست: Nate Beeler



در اشتباه است، این رهبری به خوبی می داند که هرگونه عقب نشینی در سیاست خارجی کیوبا، اشتباه فاحشی است و موجب از میان رفتن مشروعیت و حمایت داخلی از دولت خواهد شد.

... چرا کیوبا باید موضع خود را تغییر دهد در صورتی که همین موضعگیری مقاوم و کوبنده بود، که برای کیوبا آن دستاوردها را در روز هفدهم دسامبر (اشاره به سخنرانی افشاگر راثول کاسترو در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴) به همراه داشت و موجب انزوای امریکا گردید و حتی قبل از این تاریخ هم، ما امریکا را منزوی کرده بودیم، پس از این تاریخ، کیوبا مورد تشویق و پشتیبانی قرار گرفت و صدهای متنوعی به نفع ما بلند شد...»

کیوبا با موضعگیری قاطع و ایستادگی در برابر امریکا، امروز به الگویی به اکثر کشورهای فقیر نه تنها امریکای لاتین که سراسر جهان بدل گشته است و منحیث یک ملت صلحدوست و عدالت خواه از جایگاه ویژه ای در روابط بین الملل برخوردار است. کیوبا عملاً در پیشاپیش اتحاد بولیواری چندین دولت



حامد کرزی، بالاترین مدال دولتی را بر سینه خونپر
منفوقترین رئیس جمهور تاریخ امریکا نصب کرد.

مترقی امریکای لاتین قرار
دارد که سلطه فرمانروایی
طولانی امریکا را شدیداً
تضعیف نموده اند.

«فدراسیون کارگران
کیوبا» در اعلامیه‌ای به
مناسبت سفر او با ما، که
ترجمه کامل آن در سایت
«تارنگاشت عدالت» نشر

شده، نوشت:

«او [او با ما] ملتی را کشف خواهد کرد که کارگران آن علی‌رغم
محاصره اقتصادی، تجاری و مالی تحمیل‌شده بر ما برای بیش
از نیم قرن توسط دولت‌های متوالی ایالات متحده - محاصره‌ای
که هنوز برقرار است و مانع اصلی توسعه ما را تشکیل می‌دهد -
قادر بوده‌اند با فداکاری عظیم در متنوع‌ترین بخش‌های اقتصاد و
خدمات پیشرفت نمایند.

او درباره یک واقعیت کارگری خواهد آموخت، که مشخصه
آن حق کار بدون هرگونه تبعیض، حقوق برابر برای زنان و مردان
دارای کار مشابه، یک نظام تأمین اجتماعی که از جمله شامل
مزایای حمایت از مادران کارگر و بازنشستگان، و یک نظام بی‌مثال
عدالت کارگری که شامل مشارکت گسترده کارگران در حل
اختلافات است.

ما مجدداً تأکید می‌کنیم که هرگز وحدت به‌دست آمده توسط
کارگران‌مان، یا ایده‌آل‌های انقلابی، ضدامپریالیستی و عدالت
اجتماعی، یا روحیه همبستگی خود با آرمان‌های عادلانه جهان را
رها نخواهیم کرد. ما امیدواریم روندی که بین دو کشور آغاز شده
بر شالوده برابر، بدون پیش‌شرط و با احترام به استقلال و حاکمیت
ما پیش برود.»

در پاسخ به این سوال که آیا رابطه پرتنش کیوبا با امریکا راه‌حلی دارد،
چه گوارا یکی از رهبران افسانوی انقلاب کیوبا در مصاحبه‌ای با ماهنامه

«ماتتلی رویو» (سپتامبر ۱۹۶۱) گفته بود:

«این سوال دو پاسخ دارد: یک، که شاید بتوان آنرا "فلسفی" خواند و دیگری "سیاسی". جواب فلسفی اینست که دولت سلطه‌جوی سرمایه‌داری انحصاری امریکای شمالی که سریعاً بسوی فاشیزم سیر دارد، هرگونه توافق را ناممکن می‌سازد و روابط ناگزیر تا نابودی نهایی امپریالیسم وخیم باقی مانده و حتی بدتر خواهد شد. دیگری، پاسخ سیاسی، اثبات می‌کند که در اینگونه روابط ما تقصیری نداریم.... و برای هرگونه توافق بر مبنای برابری با دولت ایالات متحده آماده‌ایم.»

سفر او با ما که بعد از سال ۱۹۲۸ نخستین سفر یک رئیس جمهور امریکا به کیوبا بود، این درس را به جهانیان دارد که وقتی کشوری از یک دولت ملی، مترقی و مردمی برخوردار بوده با اتکا به مردم در برابر زورگوترین قدرت تا دندان مسلح مقاومت و مبارزه کند، در نهایت ماشین جنگی و تبلیغاتی یک ابرقدرت را نیز ناکاره نموده به موفقیت دست می‌یابد.

لیبیا بعد از انقلاب



لیبیا قبل از انقلاب



کار نویست: Damien Glez

لیبیا قبل و بعد از تجاوز امریکا و ناتو



بازهم اکت عیاق آور ضد امریکایی یک چاکر امریکا

فردای روزی که جورج بوش در آخرین ماه‌های ریاست جمهوری پرافتضاحش بصورت دلپسند از سوی جوان شجاع عراقی یک جوهره بوت نوش جان کرد، کرزی منحیث بازیچه کاخ سفید بر سینه پلید اربابش مدال آویخت تا آبروی رفته او را به جا کند. اما همین دلکچ امریکا شرم ندارد که هرچند بعد برای قهرمان‌نمایی و فریب ناآگاهان اکت‌های استفرغ آور «ضدامریکایی» می‌کند. در تازه‌ترین مورد حامد کرزی بازهم مدعی شد که صلح زمانی در افغانستان باز می‌گردد که امریکا بخواهد. اما او نمی‌خواهد اعتراف کند که ۱۵ سال تمام طبق اشاره و برنامه کاخ سفید افغانستان را با سیاست‌های ضدملی و خاینانه‌اش تحت شعارهای دروغین «دموکراسی» و «حقوق بشر» به مسلخی برای مردمش بدل کرد. او وطن ما را در زمینه‌های فساد، مواد مخدر، تروریزم، ستم بر زن، حاکمیت مافیا، چپاول و غارتگری، بدمانی، بیکاری و فقر و دهها عرصه دیگر در صدر فهرست کشورهای جهان جا داد.

پیامد همین سیاست‌هاست که امروز سیلی از جوانان امیدباخته و بیکارما یا به خیل میلیونها معتاد پیوسته تباه می‌شوند و یا هم با قبول ریسک‌های بزرگ در جستجوی امنیت و کار راهی کشورهای دیگر شده دسته دسته طعمه نهنک‌ها می‌شوند. این کرزی بود که یکنیم دهه تمام دست چهل کشور اشغالگر و از جمله دولتهای مستبد ایران و پاکستان را نه تنها در کشور که در نهادهای مهم دولتی آنچنان باز گذاشت که امروز از گند شان رهایی نداریم. این کرزی و اطرافیانش بودند که پانزده سال را برنامه‌شده هدر داده در هیچ زمینه زیربنایی کاری نکردند که امروز وطن ما کماکان کشور مصرفی با اقتصاد ورشکسته است و جمعی از سرمایه‌داران ملی هم که با سرمایه‌گذاری‌هایی کوشیدند زمینه اشتغال را فراهم سازند در اثر سیاست‌های اقتصادی استعماری و تباهکن این چاکران امریکا ورشکست و فراری شدند.

کرزی را بدون شک یک مشت غارتگران و جنایتکارانی که به لطف او از هیچ به میلیونها و مقامات بدل گشتند می‌ستایند و حتی میدان هوایی کابل را با نام ننگین او ملوث ساختند، اما در برابر مردم و تاریخ ما او شاه شجاع ثالث و از برباددهندگان آینده این وطن است.

نویسنده: نور احمد

پدر یک قربانی: «دشمن ما کثیف است اگر متحد نشویم نابود می شویم!»



به تاریخ ۸ حوت ۱۳۹۴ انفجار وحشتناک انتحاری در اسعدآباد مرکز ولایت کنر جلو پارک شهدا باعث شهادت ۱۹ تن گردید و ۳۳ تن دیگر به شدت مجروح شدند. این

حمله زمانی صورت گرفت که حاجی خانجان، قومندان سابق حزب اسلامی که رهبری یک گروه اربکی را به عهده داشت می خواست با والی دیدن نماید. در این حمله او با محافظانش کشته شد. ولی جای افسوس این است که بخاطر کشتن یک جنایتکار، ده ها تن از هموطنان بی گناه ما شهید شدند و زنان بیوه و اولادهای شان بی سرپرست شدند.

از جمع قربانیان این حمله یکتا حمیدالله فرزند دین محمد باشنده ولسوالی اسمار بود. حمیدالله که در فقر و ناداری به سر می برد آرزو داشت تا در آینده داکتر شود و دردهای ملتش را مداوا کند. پدرش در مورد حمله می گوید:

«انجام این نوع حملات کار هرکس و آسان نیست، تا زمانیکه

مقامات بلند دولتی در این حملات دست نداشته باشند و در



موتره‌های شیشه
سیاه بدون تلاشی
تیر نشوند ناممکن
است که خود را به
چنین جای حساس
و بر سر وقت
برسانند. این جایی
بود که از هر سو زیر

نظر پولیس و امنیت است و به صورت دوامدار نظارت می‌شود.
اینکه چرا دشمنان داخلی و خارجی این خاک در جاهای مزدحم
حملات را انجام می‌دهند اینست که دشمن ما درنده و به خون
مردم تشنه است و با کشتن یک تن تشنگی او رفع نمی‌شود،
در غیر آن اینان می‌توانستند حاجی خانجان را در داخل خانه



و یا بیرون با یک
تفنگچه بکشند. از
سوی دیگر ادارات
امنیتی هم به
حملات انتحاری
خوش می‌شوند
چون مسئولیت از
شانه‌های شان دور
می‌شود و اظهار
می‌دارند که جلو
گرفتن حملات
انتحاری ناممکن
است و یا مسئولیت
آنها به دوش این و

احسان الله، حبیب الله و روح الله

آن گروه تروریستی می‌اندازند.»

دین محمد که اشک از چشمانش جاری بود و به سختی سخن می‌گفت در
مورد حمیدالله گفت:

«آرزوی هر پدر و مادر است تا به اولادش زمینه خوب زندگی را فراهم کند. ما هم از ولسوالی اسمار که جای پدری ماست به مرکز کوچ کردیم و به حمیدالله گفتم: هرچه که بر سر مه می گذرد من برداشت می کنم ولی تو به تعلیم خود توجه داشته باش و خود را به جایی برسان. او هم به درس علاقه داشت و همین عشق

فراوان او بود که در سال ۱۳۹۴ از لیسه عمراخان فارغ و در امتحان کانکور با اخذ ۲۸۰ نمره به دارالمعلمین کتر کامیاب شد. ولی او به طب علاقه داشت از همینرو در طب متوسط به تحصیلاتش ادامه داد اما بدبختانه امروز کاخ آرزوهایش ویران شد. خانم جوان و



مینا

عزیزالله



دین محمد

حمیدالله

سلیمان

HAMBASTAGI.ORG

دختر شش ماهه اش به نام مینا از او به جا مانده اند. سلیمان پسر دیگر من نیز در این حمله به شدت زخمی شد و جهت مداوی دو بار او را به پاکستان بردم که این بار داکترها از خوب شدن وضعیت او برآیم اطمینان دادند. با یک سرنوشت ناروشن روبرو هستیم. ما با ترس و هراس در انتظار فردا هستیم، ماتم ما ۳۰ ساله شد اما گلیم ماتم جمع نشد. به برادران افغان خود می گویم که بخاطر ساختن افغانستان باهم متحد شوند چون دیگران کشور ما را جور نمی کنند، دشمن ما بسیار کثیف است اگر متحد نشویم نابود می شویم.»

عزیزالله ۱۸ ساله نیز در این حمله شهید شد. او موچی بود و در مرکز کتر از رنگ کردن و دوختن بوت های مردم لقمه نانی کمایی می کرد. یگانه امید پدر و مادرش همین بچه بود. در این روزها می خواستند او را نامزد کنند ولی آدمکشان نگذاشتند که به این آرزوی خود برسد.

خانم حاجی خانجان که یک زن سر سفید و مادر دلسوز است می گوید:

«هر کس که شوهر مرا در بازار کشته بسیار کار بد کرده چون شوهرم را در پنجره بند نکرده بودم. اگر او دشمن دولت و یا هر کس دیگر بود می توانستند با یک تفنگچه بیایند و در داخل خانه او را بکشند و یا ما او را از خانه می کشیدیم که این دشمن شماسست و او را بکشید اما در کنار او کشتن اینقدر مردم و زنان جوان را بیوه کردن و دهها مادر را بی اولاد کردن کار غیر انسانی است.»

در میان قربانیان این حادثه، سه برادر نیز شامل اند. آنان در دکان چپس فروشی خود مصروف کار بودند که در کنار هم به شهادت رسیده در خانه محقر شان ماتم برپا گشت.

نام و مشخصات تعدادی از قربانیان قرار ذیل است:

اسم	اسم پدر	ولسوالی
صلاح الدین	مولوی ناصر	اسمار
احسان الله	عظیم خان	مروره
حبیب الله	عظیم خان	مروره
روح الله	عظیم خان	مروره
دلشاد «ساحل»	امیر خان	مروره
شاه جان		مرکز
مونیب	سعادت خان	مانوگی

این سه نفر با هم برادر بودند و دکان چپس فروشی داشتند.



لیکونکی: رها آرزو

«د نړۍ په سترې ډموکراسۍ» کی د محصلانو بندی کول او رېرول



د هند زورواکۍ دولت
چی په خوابدیتوب سره
په لویدیځو رسنیو کی «د
نړۍ سترې ډموکراسۍ»
په نامه یادېږي، له ډیرو
کلونو راهیسې د دی
خاوری د میلیونو انسانانو

وینی او خولی یی څښکلی دي. په بی عدالتی او بی وزلی کی ډوب دغه هیواد
کی که هر کس او یا ډلی په کره توګه دولت او دهغه فاسده او د خلکو ضد
بڼه د نیوکی لاندی ونسی د «ترهګر» او د «ملی ضد عنصر» تر نوم لاندی
بندی کیږي، رېرول کیږی او آن تردی چی په ډیرو چارو کی په مرګ محکوم
کیږی.

نژدی له یوی میاشتی راهیسې د جواهر لعل نهرو په پوهنتون کی چی د
هند ستر تحصلی بنسټ او عمدتاً د چیپانو، سیکولاریستانو او د نورو روڼ
اندو اندیښنو او پوهو خلکو مرکز دی، پراخه پاڅونونه د نرنرا مودی بنسټپاله
رژیم پر وړاندی دوام لری. د دغه پوهنتون او ټولو بنسټیزو مرکزونو څخه
زرګونه محصلان هغه وخت د ډهلی کوڅو او نورو ښارونو ته خپاره شول چی
کانهایا کمار (Kanhaiya Kumar)، د «هند د محصلانو سراسری فدراسیون»



کانهایا کمار (Kanhaiya Kumar)

او د «جواهر لعل نهرو د پوهنتون د محصلانو اتحادې» رییس او ددی اتحادې د څلور تنو رهبرانو سره د «فتنې» په تور ونيول او بندي شول. کانهایا کمار د ۲۰۱۶ کال د فبرورۍ په ۹ نیټه په یوۍ غونډه کې د هند

دولت د جنایاتو څخه په کشمیر کې یادونه وکړه او څرگنده کړی وه چی د هند دولت د کشمیر د نیولو لپاره هیڅ جواز نه لری. د مودی رژیم دغه څرگندونې فتنه‌اچونکې او د هند د ملی گتو په ضد وبللی او په یوه ناڅاپي برید کې هغه د څلور تنو نورسره رېږونځای ته یوړ.

د جواهر لعل نهرو پوهنتون د اتحادیې ډیر غړي د هند د مائوایستی غورځنگ د کار او جگړې څخه چی د دغه هیواد په کلیو کې د زورواکۍ



او بیوزلی پروړاندې د بی وزلو برگرانو او «دالیت» یانو په یوځای کولو لپاره وسله‌واله مبارزه په مخ بوزی، ملاتړ کوی. دغه غورځنگ د هند دولت له ویری او کړکیچ سره مخ کړی او د هغه

هیواد غریب ناستو سیمې پراخه برخې یې د دولت له واک څخه بهر او خپل ځانگړی سیستم یې په هغه ځای کې په کار راوړی دی. د کانهایا کمار ورستی څرگندونو ښه بهانه د مودی د دولت فاسدو وزیرانو ته په لاس ورکړه ترڅو د اتحادې تفرارونغاړي او د باوجدانه محصلانو د آزادۍ غوښتنې او عدالت غوښتنې غبر غلی کړی.

د یادونې وړ دی چی د هند دولت د مائوایستی چپو ډلو د وسله‌والو مبارزو له ویری د ښارونو په منځ کې پراخه تبلیغات په لاره اچولی دی او د ډهلی په لارو او څلور لارو کې د لاسپیکرو په مرسته ټوله ورځ د

خلکو څخه غواړي تر څو استوگن ځایونه، سوداګریز مارکیټونه او ګاډي یی د هند پولیسو په وینا «ترهګرو» (په هندی ژبه «آتنگ وادی») ته په کرایه ورنکړي او نه یی وپلوري. دغه ډول کوڅه په کوڅه تبلیغات پخپله د دغه غورځنګ څخه د ویري ښکارندوی دی چی د هر ورځی په تیریدلو د ټولنی په تیزی د هند زورواکی پر وړاندې د غزیدنی او لوړیدو په حال کی دی.



سمریتی ایرانی (Smriti Irani) (یو هنرمنده چی په یوه ذلیله ډرامه کی یی د تولسی ونډه لوبوله) له واکمن ګوند څخه «بهارتیا جاناتا پارتی (بی جی پی) — د هند ولسی ګوند» (د هند د پوهنی اوسنی وزیر)، په ټولی بی رحمی سره د محصلانو پاڅونونو د ټکولو غوښتونکی وه. هغی ټول پاڅون کونکی او د هغوی مشران یی د کشمیر په ترهګر او بنسټپال سازمان چی په کشمیر کی فعالیت کوی، تړلي وبالل او د دی لپاره چی دولتی ټکول صحیح ښکاره کړی، هغوی یی د یو محصل په وژلو او د پوهنتون په منځ کی په بدکاری تورن کړل. انانت پرکاش نارایان د محصلانو د اتحادیې معاون چی د نیول شویو په ټولګه کی وه په یو پرانیستي لیک کی د سمریتی د څرګندونو په ځواب کی لیکلی:

«...مونږ له تاسو څخه د ترجم تمه نلرو، په حقیقت کی تاسو

هڅه کوی چی په شونۍ ځواک سره پر مونږ حمله وکړی، مونږ یی هم په ځواب کی خپل ټول ځواک راټولو او تاسو ته به ځواکمنه ضربه درکړو.»



د هغی سره چی د هند دولت او هندي رسنیو د پاڅونکونکو پر وړاندی پراخه تبلیغات په لاره اچولی ولی دغو پاڅونونو پراخه ملاتړ په دننه او بهر کی په لاس راوړی دی. په زرگونو محصلان او سلگونو روڼ اندي او پروفیسوران د جواهر لعل نهرو محصلانو سره یوځای شوی او پیژندل شوو اکاډمیکو شخصیتونو له هغوی څخه لیدل کړی او دهغوی په راټولیدنو کی یی خبری کړی دی.





یادبود از کودکان معصومی که بدست امریکایی‌ها پرپر شدند

طی بیش از یکونیم دهه گذشته، اشغالگران امریکایی و ناتو طی عملیات‌های کور شان جان ده‌هزار افغان بیگناه را گرفته‌اند. اکثراً تصاویر و نام قربانیان معصوم در مناطق دورافتاده از چشم رسانه‌ها به دور مانده و حتی آمار واقعی انعکاسی نیافته است.

یکی از جانگزارترین این جنایات به تاریخ ۱۸ حمل ۱۳۹۲ (۷ اپریل ۲۰۱۳) در دره شلتن ولسوالی شیگل ولایت کنر رخ داد که منجر به کشته شدن ۱۲ غیرنظامی و از جمله ده کودک گردید. تصادف تصویری از این صحنه توسط خبرگزاری «رویترز» مخابره شده در رسانه‌های جهان انتشار یافت که به سند انکارناپذیر بربریت نظامیان امریکایی بدل گشت.

ارتش امریکا ابتدا مدعی بود درین حمله فقط طالبان را کشته است، ولی با پخش این تصویر و تحت فشار افکارعامه، پنتاگون مجبور شد اعتراف نماید و وعده تحقیق و رسیدگی به این جنایت جنگی را بدهد. اما تاحال که سه سال از این جنایت جنگی می‌گذرد، از نتیجه تحقیق و محاکمه عاملانش خبری نیست و طبق سند ننگین استراتیژیک که نوکران امریکا امضا کردند، قاتلان این جگرگوشه‌های ما از «مصونیت قضایی» برخوردار بوده هیچ محاکمه‌ای نمی‌تواند آنان را مورد ملامت قرار دهد.

تا وقتی نیروهای امریکایی و ناتو و غلامان داخلی شان در کشور ما حاکم اند، از این ماتم و جویبار خون رهایی نخواهیم داشت. خون این کودکان مظلوم هر وجدان بیدار را به مبارزه علیه خاینان داخلی و اشغالگران خارجی فرامی‌خواند.

نویسنده: کاوه عزم

مدارس دینی نگرهار، مراکز وحشت و انتحارپروری



نگرهار در حدود ۱ میلیون و ۳۳۴ هزار جمعیت دارد. باشندگان این ولایت از نگاه فرهنگی عقب نگهداشته شده اند و ناامنی و حاکمیت باندهای بنیادگرا باعث شده تا

اکثر کودکان و نوجوانان از تعلیم و درس دور بمانند که این امر زمینه بهتر رشد ارتجاع، بنیادگرایی، زن‌ستیزی، انجماد فکری و سایر امراض اجتماعی را هموار نموده و گروه‌های قرون وسطایی وابسته به بیگانگان نیز فرصت غنیمت شمرده از میان کودکان و جوانان به سرعت سربازگیری می‌کنند.

برای گروه‌های جنایتکار و عصرحجری نظیر طالبان و داعش، مناسب‌ترین محل سربازگیری مدارس دینی است. در ۲۰ ولسوالی نگرهار حدود ۱۹۵ مدرسه راجستر شده و غیر راجستر شده موجود اند که در آنها هزاران کودک و جوان شستشوی مغزی می‌شوند. دولت هم به این مکان‌های امن طالبان و داعش کاری ندارد و وزارت معارف به همکاری «یو.ایس.اید» و «بنیاد بیات» و دیگر نهادهای سرمایه‌داری و با صرف میلیون‌ها دالر، به جای رشد مکاتب،

سالانه ده‌ها مدرسه جدید تاسیس می‌کنند.

در کنار درس روزانه، شمار زیادی از مدارس لیلیه دارند که اکثر آنها مراکز فساد اند. خانواده‌هایی که از فقر و فلاکت نمی‌توانند شکم کودکان شان را سیر کنند، با اشتیاق تمام آنان را به لیلیه‌ها می‌سپارند. بارها جوانان خردسال در اینجا از سوی ملایان و قاریان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. لت و کوب در این مدارس امر معمولی است. ملاها با اندک‌ترین اشتباه شاگرد را وحشیانه مجازات می‌کنند. این جو باعث می‌شود که کودکان عقده‌ای و پرخاش‌گر بار آیند.



شاملین این مدارس ضدیت شدید با علوم دارند. اینان ادعا دارند که تمامی علوم از قران مشتق شده پس رفتن به مکتب و پوهنتون کار «کافران» است.

شاملین این مدارس ضدیت شدید با علوم دارند. اینان ادعا دارند که تمامی علوم از قران مشتق شده پس رفتن به مکتب و پوهنتون کار «کافران» است. ذکرالله جوان ۲۳ ساله که دوره حفظ را در مدرسه عبدالله ابن مسعود سپری می‌کند می‌گوید:

«هیچ نیاز نیست که مکتب برویم. هر که می‌خواهد چیزی فراگیرد قران را تلاوت کند که در آن همه چیز است. از موبایل گرفته تا طیاره ذکر همه این چیزها در قران رفته و امروز کفار آن را به نام خود می‌کنند. مکتب جای فسق و فساد است. جوانان که مکتب و پوهنتون می‌روند تمام روز را در عیاشی تیر می‌کنند. تمامی بدبختی جامعه ما امروز از دست مکتب و پوهنتون است.»

یا از خانه است و یا از گور!»

قسمت اعظم این مدارس مبلغ افکار تندرو وهابی و سلفی اند و وظیفه دارند که اسلام سنتی مردم را نابود کرده کودکان را به صورت

جنگجویان بیرحم طالبی و داعشی بار آورند. آنان حملات انتحاری را جایز می‌دانند، مخالف هر نوع آزادی اند، دموکراسی را معادل کفر و تحفه الحادی می‌دانند، حقوق بشر در نزد اینان پیشیزی ارزش ندارد... و امریکا نیز با استفاده از همین خصوصیات با تمام توان به تقویه این ویروس‌ها مشغول است چون می‌داند که نیروی کم‌هزینه‌تر و درنده‌تر از اینان بخاطر دستیابی به اهدافش نمی‌تواند سراغ یابد.

رشد بی‌سابقه مراکز تروریست‌پروری زیر نام

«مدارس دینی» در سراسر افغانستان پدیده عادی نه بلکه طبق یک برنامه منظم سازمان‌های استخباراتی امریکا و منطقه صورت می‌گیرد و دولت افغانستان نیز با نادیده گرفتن آن در این توطئه علیه مردم ما شریک جرم است. در گذشته هزاران مدرسه در پاکستان به فابریکه‌های طالب‌کشی شهرت یافته از آنها لشکری از آدمکشان و انتحاریون بیرون داده شد، اما طی سالهای گذشته این تنها زمینه‌ایست که افغانستان در آن به خود کفایی رسیده و تولیدات مدارس داخلی، باندهای تروریستی را مشبوع می‌سازند.

امریکا و غرب همانگونه که در دهه هشتاد میلادی با طرح «کمر بند سبز» و حمایت بی‌دریغ از گروه‌های اخوانی و «عرب‌های افغان» کوشید به جمهوریت های آسیای مرکزی رسوخ نموده شوروی را متلاشی سازد، امروز نیز دقیقاً از همین حربه علیه روسیه و چین کار می‌گیرد و افغانستان را میدان مناسبی برای آن تشخیص داده است. سوءاستفاده از عقاید مردم ما برای اهداف سیاسی و

۱۹۹	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۰۰	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
چپرهار		
۲۱	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۲	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۳	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۴	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۵	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۶	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۷	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
خونکبابی		
۲۸	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۲۹	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۰	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۱	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۲	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۳	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۴	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۵	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۶	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۷	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۸	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۳۹	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۰	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
رويات		
۴۱	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۲	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۳	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۴	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۵	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۶	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۷	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۸	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	
۴۹	دارالحفاظ: شهبه محمد هاشم	

لیست مدارس دینی ننگرهار را از اینجا دولود کنید: hambastagi.org/new/images/pdf/nangarhar_religious_schools_list.pdf

استراتژیک از نیرنگ های آشنای اشغالگران امریکایی ست که باید مردم را از آن آگاه ساخت.

پس تا زمانیکه این دانه سرطان از پیکر جامعه ریشه کن نگردد و حامیان داخلی و خارجی آن منکوب نشوند، رسیدن به یک جامعه آزاد و عادلانه میسر نیست.



شاه امان الله خان سالها برای رشد معارف
و بیرون کردن مدارس دینی
از حیطه نفوذ استعمارگران انگریزی جانفشانی کرد،
اما امروز یکی از این نوع مدارس
در یک متری آرامگاه وی کودکان را
با افکار تندروانه تربیت می کند.



فعالیت‌های حزب

جلسات آگاهی‌دهی حزب همبستگی در ننگرهار



شاخه ننگرهار «حزب همبستگی افغانستان» جهت آگاهی‌دهی و بلند بردن سطح اعضا و هوادارانش، ماه دو بار کنفرانس‌هایی دایر می‌کند که در آن روی مسایل مختلف

افغانستان و جهان بحث و گفتگو صورت می‌گیرد. حزب همبستگی به این باور است که بدون تیوری پیشرو و مسلح کردن افکار با ایده‌های مترقی نمی‌توان حتی یک گام به جلو رفت.

به ادامه کنفرانس‌ها، در این هفته داکتر غلام فاروق، رئیس قوم ریس خیل که چندی قبل حمایت خود را از حزب همبستگی اعلام نمود، جنایات خلق و پرچم، احزاب جهادی، دوره سیاه طالبان و حکومت پوشالی فعلی را تشریح نمود. او در سخنانش هفت و هشت ثور را روزهای شوم و آغازگر سیه‌روزی نامیده گفت:

«بدبختی افغانستان از هفت ثور آغاز و در هشت ثور به اوج

خود رسید. جلادان خلق و پرچم ده‌ها هزاران انسان آگاه و مبارز را

در پولیگون‌ها و گورهای دسته‌جمعی دفن کردند و صدای آزادی و استقلال‌خواهی را خفه نمودند. به تعقیب آنان احزاب جهادی که به دسترخوان پاکستان و ایران بزرگ شدند مثل حیوانات درنده باهم چسپیدند و کابل را به ماتم‌سرا تبدیل نمودند. هفتاد هزار کابلی را کشتند و گفتند که در این شهر رژیم کفری حاکمیت نموده است باید دیوارهای آن از تهداب ویران شوند و همین کار را کردند و انسان‌های بی‌شمار را بدبخت کردند.»

او آمدن طالبان و داعش را پروژه امریکایی ناامید و تاکید نمود تازمانیکه افغانستان در چنگال امریکا و نوکرانش و محروم از استقلال باشد رسیدن به عدالت، دموکراسی و رفاه خواب و خیال است. در جریان کنفرانس او تاکید نمود که اعضا و هواداران حزب همبستگی باید به آگاهی‌دهی و متشکل نمودن فقیرترین مردم افغانستان توجه کنند چون بدون آگاهی نمی‌توان به آروزهای بلند خود رسید.

در ختم کنفرانس شرکت‌کنندگان پرسش‌هایی مطرح نموده روی موضوع بحث‌های طولانی نمودند. در پایان همه به این نکته تاکید ورزیدند که بدون راندن اشغالگران و محاکمه جنایتکاران سه دهه نمی‌توان از این بدبختی نجات یابیم و یگانه راه رسیدن به این هدف جمع‌شدن دور یک حزب ملی و مترقی و مردمی و مبارزه پیگیر است ورنه افغانستان عمیق‌تر از امروز در دهشت و بحران فرو خواهد رفت.



نویسنده: هیله نوری

وزیر کابینه اردوغان: یک بار تجاوز تاثیری بر روحیه کودک ندارد!



مقامات دولت بنیادگرا و فاشیستی ترکیه، هرچند بعد با اظهارات جاهلانه و ضد انسانی شان غوغایی میان مردم برپا می کنند. در تازه ترین مورد، سیمای رمضان اغلو، وزیر امور

اجتماعی و خانواده ترکیه گفته است که یکبار مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن تاثیری بر روحیه کودکان ندارد! او این تزیشرمانه را زمانی بیان نمود که افتضاح تجاوز جنسی بر ۴۵ کودک در مدارس مذهبی متعلق به «انصار فوندیشن» در آن کشور سروصدا بالا کرد. این نهاد مذهبی، در عین حال برای خانواده های کودکان رشوه پیشکش کرده بود تا در مورد این جنایت خاموشی اختیار نمایند.

اکثر مردم ترکیه که قبلا از تجاوز جنسی بر کودکان خشمگین بودند، حال در رسانه ها و شبکه های اجتماعی خواهان برکناری و محاکمه این وزیر شده معتقد اند که او با این حرفها بر زخم خانواده هایی که کودکان شان مورد بدرفتاری قرار گرفته اند نمک پاشیده است.

چند هفته قبل نیز همسر رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه، با تمجید از حرمسراهای امپراتوری عثمانی مورد انتقادات تند زنان در آن کشور قرار گرفت. او در سخنرانی‌ای به مناسبت روز جهانی زن، حرمسراهای بدنام شاهان زنباره عثمانی را «مکتبی برای زنان» نامید. جانکورتاران، معاون رئیس حزب جمهوری خلق ترکیه، در واکنش تندی نسبت به گفته‌های امینه اردوغان گفت: «اظهارات ایشان ناشی از عدم کارکرد عقل نیست، بلکه نشانه انجماد فکری اوست.»

خود اردوغان نیز بارها از عدم تساوی زن و مرد سخن گفته باعث اعتراضات مدافعان حقوق زن گردیده است.

بیانات ضدزن مقامات دولت اخوانی ترکیه در حالی فضای سیاسی ترکیه را دچار آشوب می‌سازند که زنان آن کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارند. «رادیو فردا» در گزارشی نوشت:

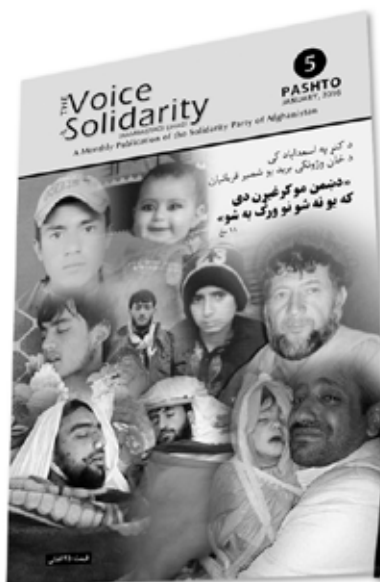
«بنابه آماری که انجمن حقوق بشر در ترکیه اعلام داشته است، ۳۸٪ زنان در ترکیه مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته و در هر ۴ ساعت یک زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد. همین منبع اشاره دارد که تنها در سال ۲۰۱۵ میلادی ۲۹۴ زن به دلیل خشونت‌های مردان جانشان را از دست داده‌اند. در همین حال ۸۴٪ از زنان و دختران نیز به دلیل ترس از خانواده حوادث تجربه شده را بیان نداشته‌اند. (روزنامه ملیت، بخش گوندنم - ۱۷ فبروری ۲۰۱۶)»

ماهیت ضدانسانی و زن‌ستیزانه بنیادگرایان در همه جا یکسان است، خواه در افغانستان فرورفته در وحشت و تاریکی باشند یا در ترکیه به ظاهر پیش‌رفته و مدرن.



کارتنیست: Ben Jennings

جنگ امریکا علیه افشاران باوجدان



شماره پنجم همبستگی غر به زبان پشتو منتشر شد

آثرا در بدل ۲۵ افغانی از نمایندگی‌های فروش
نشریات ما بدست آورید.

نشریات «حزب همبستگی افغانستان» را در کابل و ولایات از آدرس‌های ذیل به دست آورده می‌توانید:

کابل

نماینده‌ی انجمن نویسندگان افغانستان
جوار پارک تیمور شاه‌ی

شرکت کتاب شاه محمد
چهارراهی صدارت

کتاب فروشی مقدم
مارکیت جوی شیر کابل

کتابخانه وحدت
نیاز بیک، دکان حاجی

کتاب فروشی معلم محمد وحید
د افغانستان آریانا مارکیت، دکان اول

کتاب فروشی رفیع الله
پل باغ عمومی، لب سرک، زیر پشته‌ی بانک

هرات

کتاب و قرطاسیه فروشی
عبدالجبّار "یعقوبی"
چکان غوند یازده،
مقابل مکتب متوسطه خلیل الله خلیلی

بلخ

کتاب فروشی عبدالغفور عرفانی
کتاب فروشی عبدالرازق انصاری
مزار شریف، چهارراهی بیبھی،
پوسته خانه شهری

کتاب فروشی فیروز
مقابل نشنل بانک پاکستان

تخار

فوتوکاپی آمو، نجیب الله رحیمی
تالقان، بندر بدخشان، مقابل فوائد عامه،
دکان نمبر ۱۰

کندهز

قرطاسیه فروشی محمد هارون
جاده ولایت

بامیان

کتاب‌فروشی محمد ظاهر حیدری،
جوار سبزی فروشی، شهر بامیان

غزنی

کتاب و قرطاسیه فروشی توحید
شهرک البیرونی، جاده خاتم الانبیا

کتاب و قرطاسیه فروشی احمدی
پلان سوم، کوچه زیارت خواجه علی

کتاب فروشی فرهنگ ۱
جوار کتابخانه عامه

کتاب فروشی فرهنگ ۲
سرک تانک تیل کهنه، رسته نجارها

ننګرهار

الخیر سنتر
شهر جلال آباد، چوک مخابرات،
امید پلازا، منزل دوم، مقابل افغان یونایتد بانک

کتابفروشی سیار
ولسوالی خیوه

کنر

کتابفروشی احمد ظاهر
چغانسرای، سرک قومندانی

فراه

کتابفروشی عزیزی
واقع ناحیه سوم،
مقابل لیسه نفیسه توفیق میر زایی

بغلان

کتاب و قرطاسیه فروشی فردوسی
شهر پلخمیری، مقابل غضنفر بانک

بدخشان

کتاب و قرطاسیه فروشی ضیایی
فیض آباد، دشت شهدا، مقابل تربیه معلم

نورستان

عکاسخانه، فوتوکاپی و قرطاسیه فروشی میا
روبروی مسجد انصاف مارکیت، پارون - نورستان

هموطنان درد دیده،

اگر خواهان افغانستان مستقل، آزاد و دموکرات هستید؛ اگر آرزوی سربلندی افغانستان و آسایش مردم مظلوم ما را به دل دارید؛ اگر تلاش می‌ورزید علیه جنایات و خیانت‌های اشغالگران و نوکران میهن‌فروش شان نقشی ادا کنید، به «حزب همبستگی افغانستان» پیوندید و در تکثیر و پخش نشریات حزب تان هرچه بیشتر و وسیع‌تر بکوشید!

آدرس: پست بکس شماره ۲۴۰، پسته خانه مرکزی
کابل - افغانستان

موبایل: 0093-700-231590

ایمیل: info@hambastagi.org

سایت: www.hambastagi.org

فیسبوک: FB.com/Afghanistan.Solidarity.Party

facebook.com/hambastagi

تویتر: twitter.com/hambastagi

یوتیوب: youtube.com/AfghanSolidarity

«حزب همبستگی افغانستان» برای پیشبرد فعالیت‌هایش به حق‌العضویت اعضا و اعانه‌ی هواداران و دوستدارانش اتکا دارد. با کمک‌های نقدی تان ما را یاری دهید:

Azizi Bank

Koti-e-Sangi Branch, Kabul, Afghanistan

Name: Sayed Mahmood

Account No: 001903204644917

THE Voice of Solidarity

(HAMBASTAGI GHAG)

A Monthly Publication of the Solidarity Party of Afghanistan

42

APRIL
2016



جلسات آگاهي دهی
حزب همبستگی در ننگرهار

صفحه ۵۱

